مجلهٔ پژوهش فیزیک ایران، جلد ۲۳، شمارهٔ ۴، زمستان ۱۴۰۲ DOI: 10.47176/ijpr.23.4.81734

وهش فدرد c () (S)

پتانسیل مدل ادغامی با برهم کنش مؤثر LOCV-DDAEI برای تحلیل پراکندگی کشسان $O^* - O^*$

مرضيه رحمت

گروه فیزیک ، دانشکده علوم پایه ، دانشگاه زنجان ، زنجان

پست الکترونیکی: m.rahmat@znu.ac.ir

(دريافت مقاله: ١٢/ ١٤٠٢/٥٥ ؛ دريافت نسخهٔ نهايي: ١٩/ ١٤٠٧/١٧)

چکیدہ:

در این کار، توزیع زاویهای سطح مقطع دیفرانسیلی پراکندگی کشسان 0^{°۲} – 0^{°۲} در گسترهٔ انرژیهای MeV ۴۸۰ –۷۵ در چارچوب مدل ادغامی با استفاده از برهمکنش مؤثر دو جسمی وابسته به چگالی LOCV ، تحلیل شده است. بدین منظور با استفاده از روش LOCV ، مؤلفههای مستقیم و تبادلی برهمکنش مؤثر میانگین وابسته به چگالی، برای مادهٔ هستهای متقارن با پتانسیل ورودی راید۶۹ استخراج شده است و سپس بخشهای شعاعی و وابسته به چگالی این پتانسیل جهت استفاده در مدل ادغامی از هم تفکیک شده است. برای این که توصیف بهتری از پراکندگی یونهای سنگین به دست آید، یک عامل جدید وابسته به انرژی به LOCV-DDAEI افزوده شده است. نشان داده خواهد شد که با معرفی یک تابع وابسته به انرژی خطی، سرعت همگرایی روش تکرار در ارزیابی بخش تبادلی پتانسیل اپتیکی افزایش مییابد و از این رو زمان محاسبات به طور قابل توجهی کاهش می یابد. مقایسهٔ سطح مقطع دیفرانسیلی محاسبه شده برای پراکندگی کشسان O^{°۲} – 0[°] در گسترهٔ انرژیهای مورد بررسی با دادههای تعربی، توافق می یابد. مقایسهٔ سطح مقطع دیفرانسیلی محاسبه شده برای پراکندگی کشسان O^{°۳} – 0[°] در گسترهٔ انرژیهای مورد بررسی با داده می تعربی، توافق می یابد. مقایسهٔ سطح مقطع دیفرانسیلی محاسبه شده برای پراکندگی کشسان O^{°۳} – 0[°] در گسترهٔ انرژیهای مورد بررسی با دادههای تجربی، توافق نسبتاً خوبی را نشان می دهد.

واژههای کلیدی: روش LOCV ، پتانسیل مدل ادغامی، پراکندگی کشسان، پتانسیل راید۶۸

۱. مقدمه

در سالهای اخیر، پیشرفتهای چشمگیری در درک پتانسیل اپتیکی بین دو یون سنگین ^۱ (HI) داشتهایم، که عمدتاً ناشی از اندازه گیری دقیق و گستردهٔ سطح مقطع دیفرانسیلی پراکندگی کشسان است. بسیاری از سامانههای HI توسط پارامترایز تجربی پتانسیل هستهای توصیف میشوند اما مطلوب است که پتانسیل هسته- هسته را به پتانسیل نوکلئون- نوکلئون(NN) مرتبط کنیم. در همین راستا پتانسیل مدل ادغامی^۲ به طور وسیعی برای توصیف پراکندگی HI به کار برده شده است. در این روش پتانسیل از ادغام یک برهمکنش مؤثر نوکلئون – نوکلئون روی

توزیع چگالی حالت پایهٔ دو هسته تولید میشود. برهمکنش واقعی NN به دست آمده از اندازهگیری پراکندگی NN، خیلی قوی تر از آن است که بتواند مسستقیماً در مدل ادغامی به کار برده شود و معمولاً از یک برهمکنش مؤثر استفاده میشود. با توجه به بحث فوق، مرسوم است که به جای برهمکنش های واقعی NN، از برهمکنش های میانگین یا مؤثر پدیده شناختی استفاده میشود که نوعاً به چگالی مادهٔ هسته ای وابسته هستند [۱]. در واقع ما نیاز به یک برهمکنش مؤثر NN داریم که از یک سو خواص اساسی مادهٔ هسته ای (مثل چگالی و انرژی اشباع) را باز تولید کند و از سوی دیگر به عنوان یک ورودی مهم برای

¹ Heavy ion

² Folding Model

توصیف کمیتهای تجربی به کار رود [۲]. استخراج یک برهم-کنش مؤثر NN از برهم کنشهای واقعی NN ، هنوز یک چالش در نظریهٔ بس ذرهای هستهای است. محاسبات پیچیدهٔ بروکنر-هارتری-فوک^۱ (BHF) که نیروهای دو و سه نوکلئونی را شامل می شود هنوز قادر نیستند که به طور همزمان انرژی و چگالی اشباع مادهٔ هستهای سرد را توصیف کنند. البته در نظر گرفتن همبستگیهای مراتب بالاتر و نیز اثرات نسبیتی، موقعیت را بهبود می بخشد. از این رو، محاسبات میکروسکوپی هستهای تاکنون از انواع گوناگون برهم کنش مؤثر NN در محیط بهره بردهاند.

در بین انواع گوناکون برهم کنش های مؤثر، برهم کنش Ym [۳] و نسخههای گوناگون وابسته به چگالی آن [۴-۶] به طور وسیع و موفقیت آمیزی در محاسبات مدل ادغامی به کار رفته است. در این کار ما قصد داریم از مؤلفه های مستقیم و تبادلی برهم کنش مؤثر میانگین وابسته به چگالی روش LOCV ، که به اختصار به صورت میانگین وابسته به چگالی روش LOCV ، که به اختصار به صورت پراکندگی یونهای سنگین، در مدل ادغامی استفاده کنیم. بدین نظور بخش های سنگین، در مدل ادغامی استفاده کنیم. بدین DDAEI ، از هم تفکیک می شود [۷-۹] و یک پارامترایز جدید برای عامل وابسته به انرژی برهم کنش تعریف می شود. خواهیم برای عامل وابسته به انرژی برهم کنش تعریف می شود. خواهیم سریع تر در محاسبهٔ بخش تبادلی پتانسیل ادغامی حاصل می شود و به میزان زیادی در زمان محاسبات صرفه جویی می شود.

روش^۲ LOCV ، به معنی روش وردشی پایین ترین مرتبهٔ مقید، یک روش میکروسکوپی مبتنی بر بسط خوشهای [۱۰] است. اعتبار روش LOCV و کاربردش به مادهٔ هستهای و هستهٔ معین توسط مدرس و همکارانش [۱۱–۱۳] مورد بررسی قرار گرفته است. اخیراً این روش برای محاسبهٔ سطح مقطع نوترون-نوترون و خواص ترابرد مادهٔ ستارهٔ نوترونی [۱۴ و ۱۵] و خواص هلیم–۳ مایع نرمال [۱۶] به کار رفته است.

با توجه به این که واکنش O^{*} – O^{*} یکی از واکنش های کلیدی تشکیل عناصر سنگینتر در فرایند تشکیل هستهها است، بررسی های تجربی زیادی روی پراکندگی آنها انجام شده است و دادههای تجربی در گسترهٔ وسیعی از انرژی ها موجود است.

به همین علت در این مقاله، ما به بررسی پراکندگی کشسان 0[%] – 0[%] در انرژیهای میانی خواهیم پرداخت. این مقاله شامل بخشهای زیر است: در بخش دوم فرمولبندی مدل ادغامی به طور مختصر توضیح داده خواهد شد. در بخش سوم، به استخراج برهمکنش موثر میانگین وابسته به چگالی در روش LOCV پرداخته خواهد شد. نتایج به دست آمده و بحث و نتیجه گیری در بخش چهارم خواهد آمد و در پایان، بخش پنجم، به جمعبندی اختصاص خواهد یافت.

۲. فرمولبندی مدل ادغامی

پتانسیل برهم کنش بین دو هسته به صورت زیر نوشته می شود: $U(R) = U_C(R) + U_N(R),$ (۱) که R فاصلهٔ جدایی بین دو هسته و $U_c(R)$ و $(N)_N(R)$ به ترتیب برهم کنش های کولنی و هسته ای بین دو هسته است. پتانسیل کولنی بین دو هسته را معمولاً به طور دقیق می توان تعیین کرد. در اینجا پتانسیل کولنی به صورت برهم کنش ساده بین یک بار نقطهای و کرهٔ باردار به شعاع R_C در نظر گرفته می شود [۱۷]:

$$U_{c}(R) = Z_{p}Z_{t}e^{Y} \begin{cases} \frac{Y}{R} & R > R_{c} \\ \frac{1}{YR_{c}} \left[Y - \left(\frac{R}{R_{c}}\right)^{Y} \right] & R < R_{c}, \end{cases}$$

$$g R_{i} = 1/YPZ_{i}^{YY} - \frac{1}{YR_{c}} fm \quad g \quad e^{Y} = 1/FFMeV.fm \quad s \leq 1$$

 $R_{c} = R_{p} + R_{t} \quad o \quad i=p, t$ $P_{c} = R_{p} + R_{t} \quad o \quad i=p, t$ $P_{c} = R_{p} + R_{t} \quad o \quad i=p, t$ $P_{c} = R_{p} + R_{t} \quad o \quad I_{r} = P_{c}$ $P_{c} = P_{c} \quad (R) \quad (R) \quad (R) \quad (R) = U_{c} \quad (R) \quad (R) \quad (R) = U_{c} \quad (R) \quad (R) \quad (P_{c} = R) \quad (P_{c} = R)$

۲. Lowest Order Constrined Varation

^{1.} Bruckner- Hartree-Fock

بخش تبادلی پتانسیل HI در هر نقطهٔ شعاعی، با یک مسئلهٔ خودسازگار مواجه هستیم که معمولاً به روش تکرار حل می-شود و $U_{D}(E,R)$ به عنوان پتانسیل آغازین در نظر گرفته میشود. در نهایت همگرایی به دست آمده در روش تکرار، نتیجهٔ نهایی را تضمین میکند.

با محاسبهٔ مؤلفه های مستقیم و تبادلی پتانسیل ادغامی، می توان بخش حقیقی پتانسیل اپتیکی را محاسبه کرد. پتانسیل اپتیکی یک بخش موهومی نیز دارد که از جفتشدگی کانال های غیر کشسان ناشی می شود و معمولاً به شکل پدیده شناختی وودز – ساکسون (حجمی و سطحی) در نظر گرفته می شود. بنابراین به طور کلی پتانسیل HI را می توانیم به صورت زیر بنویسیم:

$$U_{N}(E,R) = N_{R} \left[U_{D}(E,R) + U_{Ex}(E,R) \right] - iW_{V} \left(1 + \exp\left(\frac{R - R_{V}}{a_{V}}\right) \right)^{-1} + iW_{D}a_{D}\frac{d}{dR} \left(1 + \exp\left(\frac{R - R_{D}}{a_{D}}\right) \right)^{-1},$$

$$(1 \circ)$$

که ضریب بهنجارش N_R ، برای در نظر گرفتن اثرات تبادل چند نوکلئونی و پتانسیل قطبش دینامیکی^۳ (DPP) ، مورد نیاز است. ضریب بهنجارش N_R و پارامترهای بخش موهومی طوری پارامتری میشوند که بهترین برازش برای دادههای پراکندگی HI حاصل شود و کمیت χ را که به صورت زیر تعریف میشود، کمینه کنند.

$$\chi^{\mathsf{Y}} = \frac{\mathsf{Y}}{N_{\sigma}} \sum_{i=1}^{N_{\sigma}} \left(\frac{\sigma_{ih} - \sigma_{ex}}{\Delta \sigma_{ex}} \right)^{\mathsf{Y}},\tag{11}$$

که σ_{ex} و σ_{ex} به ترتیب سطح مقطع دیفرانسیلی تئوری و تجربی را نشان میدهد و $\Delta \sigma_{ex}$ خطا در سطح مقطع تجربی است. N_{σ} تعداد کل زوایایی است که اندازهگیری روی آنها انجام میشود.

همان طور که از معادلات (۴) و (۵) دیده می شود، دو کمیت ورودی مهم در مدل ادغامی وجود دارد: چگالی حالت پایهٔ دو هستهٔ برهمکنش کننده و برهمکنش مؤثر NN . در اینجا توزیعهای چگالی به صورت توزیع دو پارامتری فرمی در نظر گرفته شده است

$$U_{Ex}(E,R) = \int d\mathbf{r}_{p} \int d\mathbf{r}_{t} \rho_{p}(\mathbf{r}_{p};\mathbf{r}_{p}+\mathbf{s}) \rho_{t}(\mathbf{r}_{t};\mathbf{r}_{t}-\mathbf{s})$$
$$v_{Ex}(\rho,E,s) e^{(i\mathbf{k}_{rel},\mathbf{s}/A_{red})}, \qquad (\Delta)$$

در این معادلات، $V_{Ex} = R + r_p - r_t$ ، بخش های مستقیم و تبادلی برهم کنش مؤثر NN، م و ρ_p ، چگالی های هسته های هدف و پرتابه و $k_{rel}(R)$ تکانهٔ حرکت نسبی است. $k_{rel}^{r}(R) = \mathrm{T}m_n A_{red} \left[E_{c.m.} - U_N(E,R) + U_C(E,R) \right] / \hbar^{\mathrm{Y}},$ (۶)

- که $A_{red} = \frac{A_p A_t}{A_p + A_t}$ عدد جرمی کاهیده و m_n جرم واقعی نوکلئون است. $E_{c.m.}$ انرژی مرکز جرم و E انرژی پرتابه در چارچوب آزمایشگاه است.
- به منظور ساده سازی محاسبات عددی، ماتریس چگالی با استفاده از روش بسط ماتریس چگالی [۲۲ و ۲۳] تقریب زده می شود: $\rho(\mathbf{R}, \mathbf{R} + \mathbf{s}) \cong \rho\left(\mathbf{R} + \frac{\mathbf{s}}{\mathbf{r}}\right) \hat{j}_1\left(k_F\left(\mathbf{R} + \frac{\mathbf{s}}{\mathbf{r}}\right)\mathbf{s}\right), (\vee)$ که $\hat{j}_1(x) = \Im(\sin x - x \cos x)/x^r$ فرمی

میانگین موضعی با استفاده از تقریب توماس– فرمی تعمیم یافته^۱ [۲۴] به دست میآید

$$k_{F}(\mathbf{r}) = \left\{ \left[\frac{\mathbf{r}}{\mathbf{r}} \pi^{\mathsf{r}} \rho(\mathbf{r}) \right]^{\mathsf{r}/\mathsf{r}} + \frac{\Delta C_{s} \left| \nabla \rho(\mathbf{r}) \right|^{\mathsf{r}}}{\mathsf{r} \rho^{\mathsf{r}}(\mathbf{r})} + \frac{\Delta \nabla^{\mathsf{r}} \rho(\mathbf{r})}{\mathsf{r} \varsigma \rho(\mathbf{r})} \right\}^{\mathsf{r}/\mathsf{r}},$$
(A)

که C_s شدت جملهٔ وایتسکر است و برای سامانهٔ فرمی محدود C_s محدود $C_s = \frac{1}{s}$

به منظور تعیین چگالی همپوشانی در هنگام برخورد HI ، از روش به کار رفته در مرجع [۱۹]، تقریب چگالی منجمد شده^۲ (FDA) استفاده کردهایم. در این روش چگالی همپوشانی به صورت مجموع چگالیهای هدف و پرتابه در نقطهٔ میانی فاصلهٔ بین دو نوکلئونی در نظر گرفته می شود

$$\rho = \rho_p \left(\boldsymbol{r}_p + \frac{\boldsymbol{s}}{\boldsymbol{\gamma}} \right) + \rho_t \left(\boldsymbol{r}_t - \frac{\boldsymbol{s}}{\boldsymbol{\gamma}} \right), \tag{9}$$

همانطور که از رابطهٔ (۶) دیده می شود، عدد موج حرکت نسبی k_{rel} (R) به پتانسیل کل HI بستگی دارد. بنابراین ما در محاسبهٔ

^{1.} Extended Thomas-Fermi approximation

۲. Frozen density approximation

T. Dynamic Polarization Potential
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A
 A

$$\rho(r) = \frac{\rho_{\cdot}}{1 + \exp\left(\frac{r - R_V}{a_V}\right)},\tag{11}$$

که پارامترهای P_v ، P_v ، P_v معالی اشباع، شعاع و پخشیدگی سطحی، از مرجع [۲۶] در محاسبات وارد شدهاند. تاکنون از برهمکنشهای مؤثر NN گوناگونی در مدل ادغامی استفاده شده است که از رایج ترین آنها MrY-Reid و استفاده شده است که از رایج ترین آنها MrY-Reid و مرجع [۲۱] تعریف شده است. برای این که توصیف بهتری از پراکندگی HI ، با استفاده از این برهمکنشها به دست بیاید، برهمکنش اصلی MrY در یک عامل وابسته به چگالی و یک عامل وابسته به انرژی ضرب می شود و فرض بر این است که بخش شعاعی و بخش وابسته به چگالی و عامل وابسته به انرژی مستقل از همدیگر باشند

$$v_{D(Ex)}(\rho, E, r) = g(E)F(\rho)v_{D(Ex)}(r), \qquad (17)$$

در واقع هیچ توجیه تئوری برای این عامل بندی وجود ندارد و صرفاً برای سازگاری با نتایج تجربی در نظر گرفته شده است [۲۱]. تابع $(\rho) F(\rho)$ وابستگیهای مختلف پتانسیل به چگالی را نشان میدهد. شکلهای متنوعی برای $(\rho) F$ پیشنهاد شده است که شامل پارامترهایی است که به طور پدیده شناختی تعیین است که شامل پارامترهایی است که به طور پدیده شناختی تعیین می شوند. با توجه به شکل تابع $(\rho) F$ ، نسخههای مختلفی از برهم کنش های M ۳۲ وجود دارد، از جمله ۲۲۱ DDM و برهم کنش های BDM ۳۲n و ابستگی توانی به چگالی در نظر گرفته می شود

$$F(\rho) = C(1 - \alpha \rho^{\beta}), \qquad (14)$$

، DDM "Y1 و CDM "Yn(,n = 1-9) در برهم کنش های (DDM "Y1 و CDM "Yn(,n = 1-9) شکل زیر برای وابستگی به چگالی فرض شده است: $F(\rho) = C(1 + \alpha \exp(-\beta \rho) - \gamma \rho),$ (10)

پارامترهای برهمکنشها طوری تنظیم می شوند که شرط اشباع برای مادهٔ هستهای متقارن سرد در *E/A* ≃ ۱۶*MeV* و

ρ. ≃ ۰/۱۷*fm*^{-۳} براورده شود. به منظور کاربرد به دادههای پراکندگی، لازم است یک وابستگی

به انرژی g(E) نیز در پتانسیل وارد شود، که در نسخههای مختلف برهمکنش M۳Y به صورت یک ضریب خطی در نظر گرفته می شود، که برای g(E) = (1 - k(E/A))برهم کنش $k = \circ / \circ \circ T MeV^{-1}$ ، $M = - k = \circ / \circ \circ T MeV^{-1}$ و برای برهمکنش k==/۰۰۳MeV^{-۱} ، M۳Y-Paris است [۱۷]. همانطور که اشاره شد هیچ کدام از این بر هم کنش ها از هامیلتونی ناشی از محاسبات میکروسکوپی بس ذرهای به دست نیامدهاند؛ آن طورکه بخشهای وابسته به چگالی و انرژی، صرفاً به منظور بازتولید خواص مادهٔ هستهای و دادههای پراکندگی اضافه شده-اند. در این کار قصد داریم از برهمکنش مؤثر میانگین دو ذرهای وابسته به چگالی که از روش میکروسکوپی LOCV استخراج شدهاند، بهعنوان برهم کنش مؤثر NN در مدل ادغامی (معادلات (۴) و (۵)) استفاده کنیم و کاربرد آن را در توصیف پراکندگی کشسان HI بررسی کنیم. به همین منظور در بخش بعد به نحوهٔ استخراج این برهمکنش پرداخته می شود. جزییات مربوط به روش LOCV در مراجع [۷ و۸] یافت می شود.

۲. برهم کنش مؤثر روش LOCV

درروش LOCV می توان بخش های مستقیم و تبادلی برهم-کنش های مؤثر میانگین وابسته به چگالی را برای مادهٔ هستهای متقارن استخراج کرد. چنین برهم کنشی می تواند به عنوان یک پتانسیل هارتری-فوک گونه پادمتقارن با استفاده از برهم-کنش های مؤثر دو ذرمای (۱۲) w_i به صورت زیر بیان شود: $\overline{v}_D^{LOCV} + \overline{v}_{Ex}^{LOCV} = \sum_{ij} [\langle ij | w_i (17) | ij \rangle]_{ij} = \sum_{ij} (18)$ که (*i*] و (*j*] توابع موج تک ذرمای در مادهٔ هستهای هستند و برهم کنش های مؤثر دو ذرمای (۱۲) س به صورت زیر حسب توابع همبستگی (*i*) $f(r_{ij})$ ، بر حسب توابع همبستگی (*i*) $f(r_{ij})$ ، به صورت زیر تعریف می شود [۸]:

 $w_{\tau} (1Y) = \frac{\hbar}{m} \left(\nabla f \left(r_{\tau} \right) \right)^{\tau} + f^{\tau} \left(r_{\tau} \right) v (1Y)$ (1V) $v (1Y) = \frac{\hbar}{m} \left(\nabla f \left(r_{\tau} \right) \right)^{\tau} + f^{\tau} \left(r_{\tau} \right) v (1Y)$ (1V) v (1Y) = v (1Y) + v (



.LOCV-DDAEI جدول ۱. پارامترهای F(
ho) برای مؤلفههای مستقیم و تبادلی برهمکنش LOCV-DDAEI

α

۵/۰۳

β

٣/٢٢

С

۰/۳۸

مؤلفة مستقيم

شکل ۱. مؤلفههای مستقیم و تبادلی و پتانسیل کل ادغامی محاسبه شده با برهمکنش LOCV-DDAEI برای پراکندگی 0^{er} – 0^{er} در انرژیهای فرودی مختلف.

$$\overline{v}_{D}^{LOCV}(r,\rho) = \frac{\sum_{\alpha,i,j} (\Upsilon + 1) (\Upsilon J + 1) \frac{1}{\gamma} v_{\alpha}^{i,j}(r,\rho) a_{\alpha}^{(1)'}(r,\rho)}{\sum_{\alpha,k} (\Upsilon + 1) (\Upsilon J + 1) \frac{1}{\gamma} a_{\alpha}^{(k)'}(r,\rho)},$$
(1A)

$$\begin{split} \overline{v}_{Ex}^{LOCV}\left(r,\rho\right) &= \\ \frac{\sum_{\alpha,i,j} \left(rT+r\right) \left(rJ+r\right) \left(\frac{\left(-1\right)^{L+S+T}}{r}\right) v_{\alpha}^{i,j}\left(r,\rho\right) a_{\alpha}^{(i)^{v}}\left(r,\rho\right)} (14) \\ \frac{\sum_{\alpha,k} \left(rT+r\right) \left(rJ+r\right) \left(\frac{\left(-1\right)^{L+S+T}}{r}\right) a_{\alpha}^{(k)^{v}}\left(r,\rho\right)}, \end{split}$$

$$\begin{split} \overline{v}_{D(Ex)}^{LOCV}\left(r,\rho\right) &= v_{D(Ex)}\left(r\right)F_{D(Ex)}\left(\rho\right), \quad (\uparrow\circ) \end{split}$$

1. Symmetric Nuclear Matter

ho چگالی مادهٔ هستهای است. اما در محاسبات مدل ادغامی، ho برهم نهی چگالی های هسته و پرتابه است. پارامترهای مختلف $F_{D(Ex)}(
ho)$ برای برهم کنش ورودی راید ۶۸ در جدول ۱ آمده است. حال می توان $\overline{V}_{D(Ex)}^{LOCV}$ باز فرمول بندی شده را در معادلات U_{Ex} و (۵) برای محاسبهٔ بخش مستقیم U_D و تبادلی U_E پتانسیل های اپتیکی HI به کار برد.

همانطور که گفته شد هنگام کاربرد LOCV-DDAEI به دادههای پراکندگی هسته- هسته، لازم است یک عامل صریح وابستگی به انرژی نیز در محاسباتمان در نظر بگیریم به گونهای که بهترین برازش به دادههای پراکندگی حاصل شود. با بررسی شکلهای مختلف برای این تابع، ما دریافتهایم که این عامل میتواند به صورت یک وابستگی خطی به انرژی پرتابه در نظر گرفته شود.

$$g(E) = \zeta - k\left(\frac{E}{A}\right),\tag{YY}$$

در مراجع [۸ و ۹] ^{'-}k = 0/0 و ۱ = ζ در نظر گرفته شده بود، اما در این کار، دریافته ایم که با در نظر گرفتن ۴/۰ = ζ و ^{'-}k = 0/0 سر سر بهتری از پراکندگی HI در انرژی های مختلف به دست می آید.

۴. بحث و نتیجهگیری

به منظور محاسبهٔ بخش حقیقی پتانسیل اپتیکی در چارچوب مدل ادغامی برای پراکندگی کشسان O'' - O'' در گسترهٔ انرژیهای ۲۸۵–۸۵ مؤلفههای مستقیم و تبادلی برهمکنش LOCV-DDAEI را بهعنوان برهمکنش مؤثر NN در انتگرالهای ادغامی روابط (۴) و (۵) به کار میبریم و از توزیع دو پارامتری فرمی برای توزیعهای چگالی هستههای هدف و پرتابه استفاده میکنیم. همانطور که قبلاً اشاره شد، به واسطهٔ وابستگی (R) به بخش تبادلی پتانسیل اپتیکی واسطهٔ وابستگی (R) به بخش تبادلی پتانسیل اپتیکی تکرار برای ارزیابی بخش تبادلی به کار میرود. با مقایسهٔ کار تکرار برای ارزیابی ما [۸ و ۷]، ملاحظه میشود که با در

نظر گرفتن عامل وابسته به انرژی به صورت خطی و $k = \circ / \circ \circ \mathbb{T}MeV^{-1}$ و $g(E) = \zeta - k\left(\frac{E}{A}\right)$ به $U_{\scriptscriptstyle Ex}$ ، سرعت همگرایی روش تکرار در محاسبهٔ $J=\circ/4$ به $\zeta=\circ/4$ طور قابل ملاحظهای افزایش مییابد و در نتیجه زمان محاسبات تا حد زیادی کاهش می یابد. به عنوان مثال در مرجع [۸] گزارش شده است که در فواصل بین هستهای کوچک، تعداد تکرارهای مورد نیاز برای محاسبهٔ U_{Fr}، در حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ است، اما با تعریف g(E) با پارامترهای جدید در این کار، این تعداد به ۸۰ تا ۹۰ کاهش می یابد. این باعث افزایش زیادی در سرعت همگرایی در محاسبه در تمام فواصل بین هستهای میشود. در شکلهای ۱. الف و ۱. ب ، مؤلفههای مستقیم و تبادلی پتانسیل ادغامی محاسبه شده با برهمکنش LOCV-DDAEI برای سامانه O^{*} -0^{*} در گسترهٔ انرژیهای VD-۴۸۰MeV ترسيم شده است (برای وضوح بهتر نمودارها، فقط در چند انرژی، جهت مقایسه ارائه شده است). در شکل ۱. ج ، پتانسیل ادغامی کل ترسیم شده است. با توجه به شکل ۱. ب، ملاحظه میشود که بخش تبادلی پتانسیل، در فواصل شعاعی کوچک، به طور قابل ملاحظهای نسبت به تغییرات انرژی پرتابهٔ فرودی، تغییر میکند، در حالی که در بخش مستقیم پتانسیل، تغییر زیادی در شیب و شدت پتانسیل نسبت به تغییرات انرژی پرتابه دیده نمیشود. بنابراین میتوان اینطور نتیجه گرفت که بیشتر وابستگی به انرژی پتانسیل اپتیکی HI ، ناشی از مؤلفهٔ تبادلی پتانسیل است. همچنین مقایسهٔ مؤلفهٔ تبادلی پتانسیل با مؤلفهٔ مستقیم در هر انرژی نشان میدهد که سهم بخش وابسته به چگالی پتانسیل اپتیکی ناشی از مؤلفهٔ تبادلی است. با توجه به این که، در فواصل شعاعی کوچک که منطبق بر چگالی همپوشانى بالا ($ho >
ho_{\circ}$) است، مۇلغة تبادلى پتانسيل عميق تر از مؤلفهٔ مستقیم است. بهویژه در انرژیهای پایین، در حالی که در ناحیهٔ سطحی که مربوط به چگالی همپوشانی پایین است، سهم $U_{_D}$ ، تقریباً به اندازه $U_{_{Ex}}$ است. از شکل ۱. ج مشاهده میشود که با افزایش انرژی پرتابه، عمق پتانسیل ادغامی در فواصل كوچك كاهش مىيابد



شکل ۲. بخشهای حقیقی و موهومی انتگرال حجمی پتانسیل اپتیکی سامانه $O^{*}-O^{*}$ بر حسب انرژی پرتابهٔ فرودی.

E _{lab}	N_{R}	W_{V}	R_{V}	a_{V}	W _D	R_{D}	a_{D}	J_{V}	J_{W}	$\chi^{^{r}}$
(MeV)		(MeV)	(fm)	(fm)	(MeV)	(fm)	(fm)			
٧۵	•/٨٨٤	A/1V	۶/°۴	• /V •	۰/۸۱	۲/۶۲	۳۵/ ۰	370/90	WW/V4	DV/47
$\wedge \circ / \hat{\gamma}$	•/٩٩۵	٩/١٢	۵/۷۹	• /V •	۰/٩۶	۲۵۲	۳۵/ ۰	41/4/14	mk/km	۵۲/۸۰
٩٢	۰/۹V۳	۱ • /VV	۶/۱۴	۰/V۵	١/٥٣	۲۵۲	۰/۵۲	369/21	41/00	69/11
110/9	•/٩۴٩	13/44	۶/۰٩	• /V •	۱/۶۰	۲۵۲	۰/۵۵	307/88	۵۶/۹۹	۳٩/٧۶
174	1/030	۱۴/۵۰	۶/۰۵	• /A •	7777	۲/۶۲	۰/۴۵	30V/77	۶١/۵۰	57/97
140	۰/٩۴۰	14/10	۵/۹۵	• /A •	۲۳۲	۲۵۲	۰/۵۲	344/21	۵V/V۴	57/13
۲۵۰	۰/۹۸۸	۲۲/۷۰	۵/۶۹	۰/V۵	۲۸۸۲	۲۵۲	۰/۳۸	۲۰/۰۲	$\wedge \circ / \vee \uparrow$	٣٧/٣١
۳۵۰	•/9QV	۳۲/۵۰	۵/۱۹	• <i>/\$</i> •	۳/۹ ۰	۲/۶۲	۰/۴۳	770/77	٨٦/۴٩	۳۸/۲۱
۴٨۰	•/ ٩ ۶۶	۳۶/۸۰	4/91	۰/۸۲	۴/۷۰	۳/ ۰ ۲	۰ ۵/۰	7347/44	۸١/٣٩	37/94

جدول ۲. پارامترهای بخش پتانسیل موهومی برای پراکندگی $O^{*} - O^{*}$ در انرژیهای مختلف.



شکل ۳. سطح مقطع دیفرانسیلی پراکندگی کشسان $O^{*} - O^{*}$ در انرژیهای مختلف. نقاط توپر دادههای تجربی است.

به منظور بررسی وابستگی پتانسیل اپتیکی به انرژی پرتابهٔ فرودی، انتگرال حجمی پتانسیل اپتیکی محاسبه می شود [۱۸] $J_E(E) = \frac{-\epsilon\pi}{A_p A_t} \int U_E(r) r^r dr = J_V(E) + i J_W(E)$, (۱۳۳) در این تعریف، علامت منفی به این دلیل وارد شده است که $J_E(E)$ برای پتانسیل های جاذب، مثبت باشد. معمولاً انتگرال های برای پتانسیل های هسته ای را می توان توسط داده های تجربی بهتر از خود پتانسیل تعیین کرد [۱۸]. از این رو تعیین مقدار J_V واقعی ، اغلب به عنوان می برای برای رسیدن باشد. به پتانسیل اپتیکی واقعی در نظر گرفته می شود.

با توجه به تعریف فوق برای بخشهای حقیقی و موهومی انتگرال حجمی پتانسیل، مقادیر J_V و J_W برای پراکندگی O'' - O'' در هر انرژی محاسبه و در جدول ۲ وارد شده است. شکل ۲، مقادیر J_V و J_W محاسبه شده را بر حسب انرژی پرتابهٔ فرودی نشان می دهد. همانطور که قبلا بیان شد، در اینجا بخش موهومی پتانسیل اپتیکی HI به صورت مجموع جملات بخش موهومی پتانسیل اپتیکی JH به صورت مجموع جملات مدمی و سطحی در نظر گرفته شده است. مقادیر J_V به دست آمده با در نظر گرفته شده است. مقادیر J_V به دست برهم کنش LOCV-DDAEI ، به مقادیر J_V محاسبه شده با برهم کنش های M ۲۷ ، نزدیک هستند.

از شکل ۲ مشاهده می شود که با افزایش انرژی، J_V به طور خطی کاهش پیدا می کند که این نتایج در توافق با نتایج J_v به دست آمده با برهم کنش های M ۳۷ است [۸۸ و ۲۷]. با توجه به این که برای یک سامانهٔ خاص در یک انرژی معین، همهٔ انواع پتانسیل های حقیقی، باید رفتار مشابهی را برای انتگرال حجمی پیش بینی کنند، می توان نتیجه گرفت که پارامترهای جدید برای تابع (E) و در برهم کنش IDDAEI ، به طور مناسبی وابستگی به انرژی پتانسیل اپتیکی را نشان می دهد. همچنین وابستگی به انرژی J_w مشاهده شده در شکل ۲، مشابه با شکل ۷.۷ در مرجع [۸۸] و شکل ۱۷ در مرجع [۷۲] است.

سطح مقطع دیفرانسیلی پراکندگی کشسان $O^* - O^*$ در انرژیهای ۲۸۰ –۲۸۰ روی گستره وسیعی از زوایای پراکندگی با استفاده از پتانسیل ادغامی ناشی از برهمکنش

The second product in the second product [76] محاسبه شده است و در شکل ۳ ارائه شده و با داده های پراکندگی تجربی برگرفته از مراجع [70–۳۳] مقایسه شده اند. شایان ذکر است که بخش موهومی پتانسیل به صورت مجموع جملات حجمی و سطحی (WS+WSD) در نظر گرفته شده است و پارامترهای این بخش، یعنی W_V ، R_V ، R_V ، R_D ، q_D ، q_D ، n_D ،

پارامترهای بخش موهومی نشان میدهد که پتانسیل موهومی در محاسبات ما ضعیف تر از بخش حقیقی پتانسیل اپتیکی است و همچنین ضریب بازبهنجارش N_R نزدیک به واحد حاکی از این است که اثرات مراتب بالاتر در محاسبات ما ناچیز هستند و مدلی که ما برای پتانسیل به کار بردهایم یک مدل واقعی است. شکل ۳ نشان میدهد که به طور کلی توصیف نسبتاً مناسبی از دادههای پراکندگی می تواند با استفاده از برهمکنش -LOCV بازبهنجارش به دست آید.

۵. جمعبندی

در این مقاله، دادههای تجربی پراکندگی کشسان $O^{*} - O^{*}$ در گسترهٔ انرژیهای MeV ۹۸۰ ۹۸۰ ، در چارچوب مدل اپتیکی با استفاده از برهمکنش مؤثر دو جسمی وابسته به چگالی LOCV-DDAEI ، تحلیل شده است. مؤلفههای مستقیم و تبادلی برهمکنش LOCV-DDAEI از محاسبات روش LOCV برای مادهٔ هستهای متقارن با پتانسیل راید ۶۸ استخراج شده است و سپس بخشهای شعاعی و وابسته به چگالی این پتانسیل به منظور استفاده در مدل ادغامی از هم تفکیک شده است. پارامترهای جدیدی برای بخش وابسته به انرژی برهمکنش، تابع جدید (E) و باعث می شود که تعداد تکرارهای مورد نیاز برای محاسبهٔ بخش تبادلی پتانسیل ادغامی تا حد زیادی کاهش محاسبات بس ذرهای با پتانسیل های پدیده شناختی NN ، بدون هیچ تقریبی، استخراج شده اند و بر خلاف برهم کنش های M ۳۷ ، بخش وابسته به چگالی برهم کنش ما مستقیماً از محاسبات خودسازگار LOCV ناشی می شوند، منبع مورد اطمینانی در محاسبات برخوردهای هسته –هسته و تحلیل پراکندگی HI هستند. با توجه به بحث های فوق، به علت این که برهم کنش های با توجه به بحث های فوق، به علت این که برهم کنش های داده های پراکندگی HI ارائه می دهند، می توانند به خوبی به عنوان تقریبی از پتانسیل NN در محاسبات مادهٔ هسته ای و هسته های معین به کار روند. یابد که این به نوبهٔ خود موجب صرفهجویی در زمان محاسبات می شود و همچنین به پیش بینی صحیحی از رفتار انتگرال حجمی پتانسیل اپتیکی بر حسب انرژی پرتابهٔ فرودی منجر می شود. از برهم کنش مؤثر LOCV-DDAEI و تنها با تنظیم پارامترهای بخش موهومی پتانسیل اپتیکی و ضریب بازبهنجارش، توصیف نسبتاً خوبی از داده های پراکندگی تجربی سطح مقطع دیفرانسیلی پراکندگی کشسان $O^{*} - O^{*1}$ در انرژی های مورد بررسی، حاصل می شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که با توجه به این که برهم کنش های LOCV-DDAEI بر اساس

مراجع

- 1. B Singh, M Bhuyan, S K Patra, and R K Gupta, J. Phys. G:Nucl. Part. Phys. 39 (2012) 025101.
- 2. D T Khoa, et al., Phys. Rev. Lett. 74 (1995) 34.
- 3. G Bertsch, J Borysowicz, H McManus, and W G Love, Nucl. Phys. A. 284 (1977) 399.
- 4. D T Khoa and W von Oertzen, Phys. Lett. B 304 (1993) 8.
- 5. D T Khoa, W von Oertzen and A A Ogloblin, Nucl. Phys. A 602 (1996) 98.
- 6. D T Khoa, G R Satchler and W von Oertzen, Phys. Rev. C 56 (1997) 954.
- 7. M Modarres and M Rahmat, Nucl. Phys. A 934 (2015) 148.
- 8. M Rahmat and M Modarres, Phys. Rev. C 97 (2018) 034611.
- 9. M Rahmat and M Modarres, Nucl. Phys. A 997 (2020) 121715.
- 10. J W Clark, Prog. Part. Nucl. Phys. 2 (1979) 89.
- 11. J C Owen, R F Bishop, and J M Irvine, Ann. Phys. (NY) 102 (1976) 170.
- 12. M Modarres and J M Irvine, J. Phys. G 5 (1979) 511.
- 13. M Modarres and G H Bordbar, Phys. Rev. C 58 (1998) 2781.
- 14. M Modarres and M Rahmat, Nucl. Phys. A 903 (2013) 40.
- 15. M Modarres and M Rahmat, Nucl. Phys. A 921 (2014) 19.
- 16. M Modarres and M Rahmat, *Physica A* **466** (2017) 396.
- 17. G L Zhang, H Liu, and X Y Le, Chin. Phys. B 18 (2009) 136.
- 18. M E Brandan and G R Satchler, Phys. Rep. 285 (1997) 143.
- 19. D T Khoa, W von Oertzen and H G Bohlen, Phys. Rev. C 49 (1994) 1652.
- 20. K Amos, et al., Avd. Nucl. Phys. 25 (2000) 275.
- 21. G R Satchler and W G Love, *Phys. Rep.* 55 (1979) 183.
- 22. J W Negele and D Vautherin, Phys. Rev. C 5 (1972) 1472.
- 23. X Campi and A Bouyssy, Phys. Lett. B 73 (1978) 263.
- 24. P Ring and P Schuch, "The Nuclear Many-Body Problem", Springer-Verlag, New York (1980).
- 25. R Baltin, Z. Naturforch. 27A (1972) 1176.
- 26. M El-Azab Farid and G R Satchler, Nucl. Phys. A 438 (1985) 525.
- 27. D T Khoa, W von Oertzen, H G Bohlen, and F Nuoffer, Nucl. Phys. A 672 (2000) 387 .
- 28. I Thompson, www.fresco.org.uk.
- 29. M P Nicoli, et al., Phys. Rev. C 60 (1999) 064608.
- 30. Y Sugiyama, et al., Phys. Lett. B 312 (1993) 35.
- 31. E Stiliaris, et al., Phys. Lett. B 223 (1989) 291.
- 32. H G Bohlen, et al., Z. Phys. A 346 (1993) 189.
- 33. G Bartnitzky, et al., Phys. Lett. B 365 (1996) 23.